

۱۶۷۸۵

مجله	تفسیر دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد
تاریخ نشر	۱۳۵۵
شماره	۲۱۸
شماره مسلسل	۲۱
محل نشر	مشهد
زبان	فارسی
نویسنده	محمد محمدوی دامغانی
تعداد صفحات	از صفحه ۵ - ۲۲
موضوع	نمونه هایی از تائیر قرآن و حدیث در سوزن نظامی (۱)
سرفصلها	
کیفیت	
ملاحظات	۱۳

محمود مهلوی دامغانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نمونه‌هایی از تأثیر قرآن و حدیث در شعر نظامی

توجه به تأثیر ژرف قرآن کریم و احادیث و روایات اسلامی در شعر و ادب فارسی از دیرباز در میان ادبا معمول و متداول بوده است. و لزومی ندارد که در این باره توضیح داده شود. خوشبختانه در روزگار ما هم گروه زیادی از استادان در این رشته زحمت کشیده و آثار ارزنده به جامعه ارزانی داشته‌اند. بسیاری از متون ادبی و عرفانی ما چه به‌نثر و چه به شعر اخیراً چاپ و یا تجدید چاپ شده است که مصححان گرامی از بیرون کشیدن آیات قرآن و اخبار و احادیث آن خود داری نفرموده‌اند و بدین ترتیب تا حدود زیادی کار را برای دانشجویان و پژوهشگران آسان کرده‌اند. خداوند متعال آنانی را که از میان مارخت بر بسته‌اند مشمول عنایت خاصه خود قرار دهد و به آنانی که هنوز پهنه ادب معاصر و وجودشان آراسته است توفیق بیشتر ارزانی فرماید.

توفیقی یار آمد تا یک دوره آثار شاعران بزرگان قدر قرن ششم نظامی گنجوی را مطالعه نمایم و مواردی را که در خور فهم خود متاثر از قرآن و حدیث دیدم یادداشت نمایم و اکنون بمنظور آگاهی دانشجویان گرامی و استفاده ایشان آنها را به ترتیب و ورود در متن مرتب ساختم و آرزو مندم که خالی از بهره نباشد.

چون کتابفروشی کوئینر گد تهران موفق شده است که آثار نظامی را بر مبنای چاپ فرهنگستان علوم شوروی منتشر کند همین چاپ مورد استفاده این بنده بوده و شماره صفحات مربوط به آنست. یادآوری این نکته هم لازم است که مرحوم وحید دستگردی که به

حق از افراد معدودی است که درباره نظامی کار و تحقیق کرده است به مواردی از تأثیر قرآن و حدیث در پاروقی‌ها اشاره نموده است ولی در همان مقدار هم که اشاره فرموده است شماره آیه و سوره و یا منبع حدیث را ذکر نکرده است. شاید هم علت آن است که درسی چهل سال قبل خواننده متون نظامی آن قدر از قرآن و حدیث آگاه بوده که نیازی به استخراج شماره آیه و سوره و یا منبع حدیث نبوده است.

امامت‌سافانه در روزگار ما چنین نیست و دانشجویان چنان دیر آشنا با قرآن و حدیث برآمده‌اند که بدون شک بی‌نشانی کامل نمیتواند نشانه‌ی از این دو گوهر تابناک فرهنگ اسلامی بدست آرند. باین جهت تلاش شد تا شماره آیه و سوره آورده شود و نام سوره را در برابر شماره نوشتیم و منابع احادیث را تا آنجا که دست یافتیم عرضه داشتیم و در همین حال با کمال خاوص اقرار می‌کنم که فضل تقدم و تقدم فضل درین مورد به مرحوم وحید دستگردی باز می‌گردد و این سلسله مقالات که به یاری خداوند متعال در چند شماره از مجله درج خواهد شد متمم کارهای آن فقید است. اشاره باین نکته هم لازم است که طبیعتاً تأثیر قرآن و حدیث در موضوعات مختلف متفاوت است مثلاً در زمینه داستانهای اسکندر که نظامی سروده است این موضوع کمتر خواهد بود تا آنجا که مضامین اخلاقی و دینی را سروده است و بهمین منظور این بنده کار خود را از مخزن الاسرار شروع نمود. البته باید در نظر داشت که تأثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی در قرن ششم هجری مدارج کمال را می‌پیموده است و در آثار بسیاری از سخنوران و نویسندگان نامی آن عصر این اثر مشهود است.

غرض دیگر این بنده این است که دانشجویان گرامی بدانند بدون اطلاع از کلام الله مجید و احادیث اسلامی حل مشکلات بسیاری از دواوین شعرا و متون نشر فارسی امکان نخواهد داشت و برای فهم آنها ناچار از فراگیری قرآن و حدیث خواهند بود.

گمان نمیکنم با آثار فراوانی که درباره شرح حال و آثار نظامی در دست است لازم باشد وقت خواننده را در این مورد بگیرم که در این مقاله هدف چیز دیگر است.

* * *

۱- مخزن الاسرار

۱- داغ نیه ناصیه داران پاک تاج دره تخت نشیستان خالک صا
ظاهراً در مصراع اول نظریه آیه ۲۹ سوره ۸ { الفتح } داشته است که درباره حضرت ختمی مرتبت و اصحاب گران قدر آن حضرت است «محمد رسول الله والذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم تریمهم رکعاً سجداً یبتغون فضلاً من الله ورضواً سیماهم فی وجوههم من اثر السجود» که بنقل ابوالفتح رازی از عبدالله بن عباس روایت شده است که مقصود از «سیماهم فی وجوههم من اثر السجود» نوری است که در رستاخیز از چهره مومنان می‌تابد و بدین ترتیب مشخص می‌شوند که در دنیا اهل عبادت و طاعت بوده‌اند. و در مصراع دوم اشاره است به یکی از آیاتی که درباره اعطای پادشاهی از جانب خداوند متعال است مانند آیه ۲۴۷ سوره (بقره) «والله یؤتی ملکه من یشاء والله واسع علیم» و یا آیه ۲۶ سوره ۳ (آل عمران) «قل اللهم مالک الملك تؤتی الملك من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء».

۲- خام کن پخته تدبیرها عذر پذیرنده تقصیرها صا

مصراع اول ناظر است به این گفتار حضرت امیرالمومنین علی بن ابیطالب علیه السلام «عرفت الله بفسخ الهزائم وحل العقود» که در ص ۱۸۶ نهج البلاغه فیض الإسلام آمده است و یکی از بهترین گفته‌های آن حضرت درباره خداشناسی است. و یا اشاره است به سخن مشهور «العبد یدبر والله یقدر» که مرحوم وحید هم اشاره فرموده است ولی این بنده در منافع حدیثی که در دست بود گشتم و آنرا نیافتم اما در کتاب الامثال الشعبیة فی قلب جزیره العرب ص ۱۲۲ ج ۲ چنین آمده است که «العبد فی التقدير والله فی التدبیر». مصراع دوم بیت ناظر است به آیاتی که درباره پذیرش توبه و عذر تقصیر در قرآن آمده است از جمله آیه ۲۵ سوره ۴۲ { التهوری } «وهو الذی یقبل التوبة عن عباده و یعفو عن السيئات».

۳- اول و آخر بوجود و حیات (صفات) هست کن و نیست کن کاینات صا

مصراع اول ناظر است به آیه ۳ از سوره ۵۷ { الحديد } «هو الاول و الآخر و الظاهر و الباطن» و مصراع دوم ناظر است به بسیاری از آیات قرآنی که در آنها هستی و

نیستی کاینات منوط به اراده باری تعالی است از جمله آیه ۴۳ سوره ۵۰ (ق) «انا نحن نجی ونمیت والینا المصیر» .

۴- کیست درین دیرگه دیرپای کو لمن املك زند جز خدای ص ۲

مصراع دوم این بیت ناظر است به آیه ۱۶ سوره ۴۰ (الفانسر) «یوم هم بارزون لا یخفی علی الله منهم شیء لمن الملك الیوم لله الواحد القهار» در این مورد آیات دیگری هم در قرآن هست اما «امن المالك» فقط در همین يك آیه بکار رفته است .

۵- روضه ترکیب ترا حور ازوست نرگس بینای تورا نور ازوست ص ۲

شاید مراد از «حور» روضه ترکیب آدمی روح باشد که در او دمیده شده است که در اینصورت مصراع اول ناظر است به آیه ۲۹ سوره ۱۵ (حجر) و یا آیه ۷۲ سوره ۲۸ (ص) که غیبات تکرار شده است «فاذا سویته ونفخت فیهم من روحی فقووا له ساجدین» هر چند می توان «حور» را بمعنای سیاهی چشم هم گرفت . در مصراع دوم اشاره به بسیاری از آیات است که قدرت بینایی و فروغ دل و چشم را در اختیار حق تعالی دانسته است از جمله «وجعلنا له نورا یمشی به فی الناس» آیه ۱۲۱ سوره ۶ (الانعام) اگر چه مفسران درباره نور که در این آیات آمده است تفسیرهای گوناگون نموده اند .

۶- پرده نشین کرد سر خواب را کسوت جان داد تن آب را ص ۳

در مصراع دوم این بیت ظاهر نظامی به یکی از آیاتی که در این باره آمده است نظر داشته است برای اطلاع عرض می شود که موضوع آفرینش آدمی از آب و زنده شدن زمین بوسیله آب و تشبیه زندگی این جهانی به آب در قرآن مکرر آمده است شاید آیه بی که باین موضوع تناسب بیشتری دارد آیه ۵۴ سوره ۲۵ (الفرقان) باشد «هو الی خلق من الماء بشر افعله نسبا و صهرا و کان ربك قدیرا» .

۷- زلف زمین در بر عالم نکند خال عصبی بر رخ آدم فکنند ص ۲

در مصراع دوم این بیت به آیه ۱۲۱ سوره ۲۰ (طه) نظر داشته است «وعصی آدم ربه

۸- زنگ هوا را بکواکب سترد جان صبارا بریاحین سپرد ص ۲

مصراع اول این بیت ناظر است به بسیاری از آیات قرآن مجید که درباره روشنی آسمان به وسیله ستارگان و زینت دادن آسمان با ستارگان نازل شده است از قبیل آیه ۴ سوره ۱۰ (یونس) «هو الی جعل الشمس ضیاء والقمر نورا» و یا آیه ۶ سوره ۳۷ (الصافات) «انازینا السماء الدنيا بزینة الكواكب» . و در مصراع دوم اشاره نموده است به موضوع باروری درختان و گیاهان بوسیله باده ها که در قرآن مجید مکرر بآن تصریح شده است مانند «وهو الی یرسل الریاح بشرابین یدی رحمة» آیه ۵۶ سوره ۷ (اعراف) .

۹- خون جهان در جگر گل گرفت نبض خرد در مجلس دل گرفت ص ۳

در مصراع دوم این بیت اشاره باین مطلب لازم است که در بسیاری از آیات قرآن مجید «قلب» مرکز اصلی خرد و اندیشه و دراک محسوب گردیده است . استخراج همه آن آیات سخن را بدرازا می کشاند اما برای مثال می توان به آیه ۴۶ و ۴۷ سوره ۲۲ (حج) توجه نمود «افلم یسیروا فی الارض فتکون لهم قلوب یعقلون بها او آذان یسمعون بها فانها لا تعمی الابصار ولکن تعمی القلوب الی فی الصدور» .

۱۰- ناف شب از مشگ فروشان اوست ماه نو از حلقه بگوشان اوست ص ۳

در مصراع دوم که صفت حلقه بگوشی برای ماه آورده است ظاهرا به آیه ۱۸ سوره ۲۲ (حج) نظر داشته است که چنین است «الم تر ان الله یسجد له من فی السموات ومن فی الارض و الشمس والقمر والنجوم والجبال»

۱۱- هستی تو صورت و پیوندی تو بکس و کس به تو مانند نی ص ۵

در مصراع اول احتمالا نظریه توصیفی که در سوره (توحید) آیه ۲ و ۳ از حق تعالی شده است «الله الصمد لم یلد ولم یولد» و در مصراع دوم آیه ۱۱ سوره ۴۲ (الشوری) «لیس کمثله شیء وهو السميع البصیر» مورد نظر بوده است .

۱۱- آنچه تفسیر نیل برد توئی و آنچه نمرده است و نمیرد توئی ص ۵

مصراع دوم بیت ناظر است به بسیاری از آیات قرآن مجید که بیان ازلی وابدی بودن ذات باری تعالی در آنها آمده است از جمله آیه ۵۸ سوره ۲۵ (الفرقان) «و توکل علی الحی

الذی لایموت و سبیح بحمده» .

۱۲- ماهمه فانی و بقا بس تورا است ملك تعالى و تقدس تورا است ص ۶

مصراع اول ماخوذ از آیه ۲۵ سوره ۵۵ (الرحمن) است «کل من علیها فان ویبقی وجه ربك ذوالجلال والاکرام» و مصراع دوم نیز ماخوذ از آیاتی است که تقدس و علو الهی را بیان نموده است و با الفاظ مختلف بیش از ۲۰ مرتبه در قرآن آمده است مثلاً آیه ۱۱۶ از سوره ۲۳ (المؤمنون) «نتعالی الله الملك الحق لا اله الا هو رب العرش الکریم» و آیه ۲۳ از سوره ۵۹ (الحشر) «هو الله الذی لا اله الا هو الملك القدوس

۱۳- چون قدمت بانگ بر اباقی زند جز تو که یارد که انا الحق زند ص ۶

ترکیب «انا الحق» که در این بیت بکار رفته است هر چند که از آیات قرآنی نیست و از سطحیات صوفیان است اما تردید نیست که نظامی تحت تأثیر یکی از آیات مکرر و فراوان قرآن بوده است که در آنها از ذات باری تعالی به «حق» تعبیر شده است مانند آیه ۳۲ سوره ۱۰ (یونس) «فدلکم الله ربکم الحق» و آیه ۳۰ از سوره ۳۱ (القمان) «ذک بان الله هو الحق وان ما یبدعون من دونه الباطل وان الله هو العالی الکریم» .

۱۴- عقد پرستش ز تو گیرد نظام جز به تو بر هست پرستش حرام ص ۶

مسئله حرمت پرستش هر چیز دیگر غیر از خداوند متعال که نظامی در این بیت آورده است در بسیاری از آیات و سوره قرآن به مناسبات مختلف بیان شده است از جمله آیه ۱۶ سوره {النساء} «واعبدوا الله ولا تشركوا به شیئاً» و آیه ۷۲ سوره ۵ (المائده) «انه من یشرك بالله فقد حرم الله علیه الجنة وما واه النار» .

۱۵- در صفت گنگ فرو مانده ایم من عرف الله فرو خوانده ایم ص ۱۱

مصراع اول ماخوذ از گفتار حضرت امیر المومنین علی بن ابیطالب (ع) است که میفرماید «واعجز الالسن عن تلخیص صفته» ص ۵۳۶ نهج البلاغه فیض الاسلام. و نیز در نخستین دعای صحیفه سجاده چنین آمده است «عجزت عن نعته اوهیام الوریصفین» ص ۲۹ صحیفه چاپ مرحوم انهی قمشه بی و مصراع دوم اشاره است به حدیثی که در بسیاری از متون عرفانی به دو صورت «من عرف الله کل لسانه» و «من عرف ربه کل لسانه

نقل شده است از جمله در ص ۲۲۶ کتاب مقامات ژنده پیل چاپ بنگاه ترجمه و نشر کتاب و رجوع فرمایید به ص ۶۷ کتاب ارزنده احادیث مشنوی که استاد فقید فروزانفر، منابع آن را بیان داشته است .

۱۶- کنت نبیا که علم پیش برد ختم نبوت به محمد سپرد ص ۱۲

مصراع اول اشاره به حدیثی است که در جامع الصغیر سیوطی ص ۹۷ ج ۲ و منابع دیگر آمده است و مراجعه شود به ص ۱۰۲ احادیث مشنوی تمام حدیث چنین است «کنت نبیا و آدم بین الروح والجسد» . مصراع دوم ناظر است به آیه ۴۰ سوره ۳۳ (الاحزاب) «ماکان محمداً با احد من رجالکم ولكن رسول الله وخاتم النبیین» .

۱۷- خواجه مساح و مسیحش غلام انت بشیر انت مبشر بنام ص ۱۲

«خواجه مساح» بنقل فرهنگ آندراج و نفیسی لقب حضرت ختمی مرتبت است و در مصراع دوم ظاهراً به دو آیه از آیات قرآنی نظر داشته است نخست آیه ۶ از سوره ۶۱ (الصف) «ومبشر برسول یاتی من بعدی اسمه احمد» و دیگری آیه ۲۸ سوره ۳۴ (سبأ) «وما ارسلناک الا کافه للناس بشیراً و نذیراً» یا به یکی دیگر از آیاتی که بهمین منظور در قرآن مجید آمده است .

۱۸- امی گویا به زبان فصیح از الف آدم و میم مسیح ص ۱۲

در مصراع اول اشاره به «امی» بودن حضرت ختمی مرتبت است که در دو آیه قرآن آمده است آیات ۱۵۷ و ۱۵۸ سوره ۷ (الاعراف) «الذین یتفون الرسول النبى الامى السدی یجدونه مکتوباً عندهم فی التوراة والانجیل فآمنوا بالله و رسوله النبى الامى . . .» و ظاهراً مراد از فصیح مضمون یکی از کلمات قصار حضرت ختمی مرتبت است: «انسا انصح العرب» که در منابع مختلف و از جمله در نهج الفصاحه که مجموعه کلمات قصار آن حضرت است و بوسیله نویسنده توانا آقای ابوالقاسم پاینده جمع آوری شده آمده است .

۱۹- یوسف دنوی شده چون آفتاب = یونس حوتی شده زن داز آب ص ۱۵

مصراع اول ناظر است به آیه ۱۹ از سوره ۱۲ (یوسف) «وجاءت سیرة فارسا و اواردهم فادلی دلوه» و مصراع دوم ناظر است به آیات ۱۳۹، سوره ۳۷ (الصافات) «وان یونس لمن

المرسلین اذ اذبق الی الفلک المشحون فساهم فكان من المدخضین فاتقمه الحوت وهو ملیم».

۲۰- زان گل و آن نرگس کان باغ داشت نرگس او سرمه مازاغ داشت ص ۱۵
 در مصراع دوم «نرگس» کنایه از چشم شریف حضرت ختمی مرتبت است و ناظر است به آیه ۱۷ و ۱۸ سوره ۵۳ (وانجم) «مازاغ البصر و ماطفی باقد رأی من آیات ربه الكبرى».

۲۱- لب بشکر خنده بسیار است امت خود را به دعا خواسته ص ۱۸
 اشاره است به احادیث مکررنبوی که در بسیاری از تفاسیر اسلامی در ذیل آیه ۲۸۶ سوره ۲ (بقره) «لا یكلف الله نفسا الا وسعها لها ما کسبت و علیها ما اکتسبت ربنا لا نؤاخذنا ان نسینا او اخطانا...» آمده است از جمله در تفسیر مجمع البیان ص ۴۰۴ ج ۱ و ۲ چاپ بیروت از قول عبدالله بن مسعود روایت شده است که حضرت ختمی مرتبت در شب معراج چون به سدره المنتهی رسید استدعا نمود تا خداوند متعال گناه امت را ببخشد و نیز برای اطلاع بیشتر مراجعه فرمایید به تفسیر برهان ص ۲۶۵ ج ۱ که نظیر این حدیث از قول امام بزرگوار حضرت موسی بن جعفر (ع) هم آمده است.

۲۲- ای شب گیسوی تو روز نجات آتش سودای تو آب حیات ص ۲۲
 تعبیر لطیف شب گیسو برای حضرت ختمی مرتبت مأخوذ است از آنچه که برخی از مفسران عارف در ذیل آیه ۱ سوره ۹۳ (واضحی) بیان داشته اند که مقصود از (واضحی) بگویند به نور چهره و مراد از (واللیل) سوگند به سیاهی گیسو یا مؤگان حضرت است. شیخ اسماعیل حقی در ص ۴۵۳ ج ۱۰ تفسیر روح البیان این موضوع را از قول میبدی در کشف الاسرار نقل می کند و بیت زیر را شاهد می آورد که:

والضحی رمزی ز روی هم چو ماه مصطفی
 معنی واللیل گیسوی سیاه مصطفی

۱۳- خاک تو از باد سلیمان بهست روضه چه گویم که ز رضوان بهست ص ۲۲

در مصراع اول تعبیر «باد سلیمان» ظاهراً مأخوذ است از آیه ۱۲ سوره ۳۴ (سبا) «ولسلیمان الريح غدوها شهر و راحها شهر» - مراد از خاک ظاهراً مدفن حضرت ختمی مرتبت است چه در مصراع دوم هم از آن به «روضه» تعبیر نموده است که آن هم مأخوذ از حدیثی است که در ص ۱۴۴ ج ۲ جامع الصغیر سیوطی بدین صورت آمده است «ما بین

بیتی و منبری روضه من ریاض الجنة».

۲۴- از نفسش بوی وفا بی بخش ملک سلیمان به گدایی بخش ص ۲۶
 اگر چه در برخی از نسخ بجای «ملک سلیمان» ملک فریدون آمده وای ظاهراً «ملک سلیمان» انساب است و مأخوذ از آیه ۲۵ سوره ۳۸ (ص) است «رب اغفر لی وهب لی ملكا لا ینبغی لاحد من بعدی».

۲۵- خیز و بفرمای سرافیل را باد دمیدن دوسه قندیل را ص ۲۶
 ظاهراً موضوع دمیدن در صورت که در دو آیه از آیات قرآن آمده مورد نظر شاعر بوده است. اگر چه کلمه «سرافیل» و یا «اسرافیل» در کلام الله مجید نیامده است لکن آیات ۶۸ و ۶۹ سوره ۳۹ (زمر) را ملاحظه فرمایید: «ونفخ فی الصور فصعق من فی السموات ومن فی الارض الا من شاء الله ثم نفخ فیها اخری...»

۲۶- هر چه زیبگانه و خیل تواند جمله درین خانه طفیل تواند ص ۲۷
 ظاهراً به حدیث مشهور «لولاک لما خلت الافلاک» نظر داشته است که بنا با استخراج استاد فقید فروزانفر در احادیث مشنوی در شرح تعرف واللو و المرصوع آمده است ص ۱۷۲ آن کتاب. و اضافه می نماید که در ضمن احادیث دیگر هم به این موضوع که همه خلق در آفرینش طفیل وجود حضرت ختمی مرتبت هستند تصریح شده است. دانشمند معظم آقای سید مرتضی فیروزآبادی در جلد اول کتاب فضائل الخمسة حدیثی را از ص ۶۱۴ ج ۱ مستدرکناصحیحین بیرون آورده اند که خطاب به عیسی (ع) است و در ضمن آن چنین آمده است: «فلولا محمد ما خلت واولا محمد ما خلقت الجنة والنار».

۲۷- آدم و نوحی نه به از هر دوی مرسله يك گره از هر دوی ص ۲۷
 ظاهراً ناظر است به روایتی که در ص ۵۴۶ ج ۶ مستدرکناصحیحین آمده است:

«سید الانبیاء خمسة و محمد صلی الله علیه سید الخمسة» و نیز روایتی در ص ۲۸۳ ج ۲ صحیح ترمذی از ابن عباس آمده است که ضمن آن برتری حضرت ختمی مرتبت بر آدم و ابراهیم و موسی و عیسی بیان شده است و برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به صفحات ۱۲-۱۳ ج ۱- فضائل الخمسة.

۲۸- خنده خوش زان نزدی شکرش تا نبرد آب صدف گوهرش
 در مصراع اول «شکر» کنایه از لب یادهان حضرت و در مصراع دوم «گوهر» استعاره

است برای دندان آن حضرت و مقصود این است که پیامبر گرامی در عین حال که همواره متبسم بود هیچگاه فقهه خنده نداشت و ناظر است به احادیث مکرری که در این باره در کتب مختلف حدیث آمده است. از جمله در ص ۲۸۷ ج ۲ صحیح ترمذی از عبدالله بن حارث چنین نقل شده است «ماکان ضحك رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم الا تبسما».

۲۹ و ۳۰- آدم از آن دانه که شد هیضه دار توبه شدش گلشکر خوشگوار
توبه دل درجهش بوی تست گلشکرش خاک سر کوی تست ص ۲۷

نظر داشته است به سرپیچی آدم از فرمان الهی و خوردن میوه ممنوعه که در بسیاری از آیات قرآن به آن اشاره و یا تصریح شده است از قبیل آیات ۱۹ تا ۲۲ سوره ۷ (اعراف) «فلما ذاقا الشجرة بدت لهما نسواتهما...» و نیز به پذیرش توبه آدم که در آیه ۲۷ سوره ۲ (بقره) چنین آمده است «فتلقى آدم من ربه كلمات فتاب عليه انه هوانواب ارحيم» و بنا بر روایات فراوانی که در کتب اسلامی آمده است سخنانی که خداوند به آدم تلقین کرد و در پناه آن توبه آدم پذیرفته شده سوگند دادن خداوند بحق محمد صلوات الله علیه بوده است لطفاً مراجعه شود به ص ۸۶ ج ۱ تفسیر برهان که در آن ۱۷ روایت در همین مورد آمده است.

۳۱- موسی از این جام همی دید دست شیشه به که پایه ارنی شکست ص ۲۸
ظاهراً در این بیت نظامی تحت تاثیر عقاید اشعریان که امکان رویت حق تعالی را فراهم می دانند قرار گرفته است و می خواهد بگوید موسی علیه السلام شیشه امیدش در توبه شکسته شد و پاسخ «ان ترانی» شنید و حال آن که برای حضرت ختمی مرتبت در معراج سعادت رویت دست داد. بدون این که بخواهیم وارد این بحث شویم عرض می شود که به آیات ۱۳۹ تا ۱۴۱ سوره ۷ (اعراف) نظر داشته است «ولما جاء موسی امیقاتنا و کامة ربه قال رب ارنی انیک قال ان ترانی ولكن انظر الی الجبل...».

۳۲- نسبت داودی او کرده چست بر شرفش نام سلیمان درست ص ۳۱
این بیت در مدح ملک فخرالدین بهرامشاه است که نام پدرش داود بوده است و چون بر طبق آیات ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ سوره ۲۷ (نمل) نعمت علم و پادشاهی برداود و سلیمان ارزانی شده و سلیمان از داود ارث برده است باید نظامی به آن آیات نظر داشته باشد «و ورث سلیمان داود وقال...».

۳۳- هر که به طوفان تو خوابش ببرد گر بمشکل نوح شد آتش ببرد ص ۲۳
این بیت هم خطاب به بهرامشاه است و این به آیه نوح که درباره طوفان نوح (ع) در چندین سوره قرآن نازل شده است نظر داشته است میدانیم که نوح و گروندگان به او از غرق شدن مصون بودند چنانچه در آیه ۶۲ سوره ۷ (اعراف) آمده است «فانجیناه والذین معه فی الفلك...» و برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به تفاسیر مربوط به این آیه و آیات بعد آن. اما بنظر این بنده این گونه مبالغات از طرف شاعری پرمایه چون نظامی نسبت به مخلوق برآستی ترک ادب شرعی است شمس قیس رازی چنینی که از این کار ناشایسته، شاعران مداح را منع کرده است.

۳۴- بابل من گنج هاروت سوز زهره من خاطر انجم فروز ص ۴۸
علاوه بر آن که شاعر در این بیت به موطن و اهمیت اندیشه و خاطر خود اشاره نموده است گفتارش از آیه ۱۰۲ سوره ۲ (بقره) مایه گرفته است «واتبعوا ماتلوا الشیاطین علی ملک سلیمان... و ما انزل علی الملکین بیابل هاروت و ماروت» لازم است یادآوری کنیم که در تفاسیر شیعه مسأله «زهره» و اینکه او زنی بود که مایه فریب هاروت گردید بشدت رد شده و مورد استهزاء و تمسخر قرار گرفته است. لطفاً در این باره رجوع شود به ص ۱۳۶ ج ۱ تفسیر برهان تا در آن روایات مختلفی که وارد شده است ملاحظه گردد.

۳۵- سحر حلالم سحر قوت اوست نسخ کن نسخه هاروت اوست ص ۴۸
سحر حلال کنایه از سخن شیرین و شیواست و ظاهراً اشاره است به حدیثی بصورت «ان من البیان لسحراً» که در منابع احادیث اسلامی آمده است و استاد فقیه فروزانفر آنرا در احادیث مثنوی ص ۱۹۹ بیرون آورده اند.

۳۶- رنگ درونی شده بیرون نشین خوانده قضا کان من الکافرین ص ۵۰
در مصراع دوم جزئی از آیه ۲۴ سوره ۲ (بقره) آمده است «واذ قلنا للملائکه اسجدوا لادم فسجدوا الا ابلیس ابی و استکبر و کان من الکافرین».

۳۷- خاک تب آورنده به تابوت بخش آتش تابنده به یاقوت بخش ص ۵۱
چون جسم آدمی از خاک آفریده شده است و حجاب اتصال به حق هم همین جسم خاکی را دانسته اند مضمون شعر با آیاتی که درباره آفرینش آدمی از خاک نازل شده است ارتباط دارد از قبیل آیه ۲۰ سوره ۳۰ (روم) «ومن آیاته ان خلقکم من تراب ثم اذا انتم

بشر تنتشرون».

۳۸ و ۳۹- دور شو از راه زنان حواس راه تو دل داند دل را شناس
عرش پرانی که ز تن رسته‌اند شهر جبریل بر او بسته‌اند ص ۵۱
چنین بنظر می‌رسد که در بیان مقام دل و امکان پرواز آن تاپیشگاه الهی به حدیثی
نظر داشته‌است که ذر بنیازی از منابع تصوف و عرفان اسلامی آمده‌است «ان قاب بنی
آدم کلها بین اصبعین من اصابع الرحمان» که در متن احادیث منسوی استخراج شده‌است.

۴۰ و ۴۱- طبع تتو با عقل بدلائکست منتظر نقد چهل سانگی است
تا به چهل سال که بالغ شود نقد سفرهاش مبالغ شود ص ۵۲
سن چهل سانگی مرخله کمال آدمی است و به این مطلب در آیه ۱۵ سوره ۴۶ (احقاف)
اشاره لطیفی شده‌است بنظر می‌رسد که نظامی در سرودن این دوبیت بان آیه نظر داشته
است «ووصینا الإنسان بوالدیه احسانا. حملته امه کرها ووضعتہ کرها وحملة ونصا
لثلاثون شهرا حتی اذا بلغ اشده وبلغ اربعین سنة قال رب اوزعنی...».

۴۲- زین دوهم آغوش دل آمد پدید آن خلفی کو بخلافت رسید ص ۵۳
مصرع دوم این بیت متاثر و مأخوذ است از آیه شماره ۳۰ سوره ۲ (بقره) که از آیات
مفصل قرآن است و در ذیل همان آیه مسأله تعلیم آدمی به عنایت ویژه الهی هم مطرح
شده‌است «اذ قال ربک للملائکة انی جاعل فی الارض خلیفة».

۴۳- روزی ازین مصر زایخا پناه یوسف خوش خلق برون شد ز چاه ص ۵۹
اگرچه مراد از مصر زایخا پناه «بدن آدمی» است که آلات و ابزار همه شهوات در آن
جمع است و مقصود از یوسف خوش خنق دل یاروح و روان آدمی است ولی بی شک در
سرودن این ابیات به آیات ۱ تا ۱۵ سوره ۱۲ (یوسف) نظر داشته‌است «فلما ذهبوا به
واجمعوا ان یجعلوه فی غیابة الجب» و یا «قال قائل منهم لا تقتلوا یوسف واثقوه فی غیابة
الجب».

۴۴- نکته پنادی، بزیان قضیح زنده دلم کز دچو باد مسیح ص ۶۰
در مصرع دوم «باد مسیح» مأخوذ است از آیه ۴۹ سوره ۲ (آل عمران) «انی اخلق
کم من الطین کهیئة الطیر فانفخ فیه فیکون طیرا باذن الله» که از الطاف خاص الهی نسبت

به عیسی (ع) است.

۴۵- سوسن یک روز عیسی زبان داده بصبح از کف مؤسی نشان ص ۶۲
مصرع اول این بیت ناظر است به یکی از معجزات حضرت عیسی که سخن گفتن او
در روز اول تولد است و این مطلب در آیات ۲۸ و ۲۹ سوره ۱۹ (مریم) آمده‌است «فاشارک
الیه قالوا کیف نکلم من کان فی المهد صبیا قال انی عبدالله اتانی اکتاب...» مصرع دوم
اشاره است به یکی از معجزه‌های حضرت موسی که درخشش کف دست اوست و در ادب
فارسی گاه از آن به «یدیضا» هم تعبیر نموده‌اند و در آیه ۲۳ سوره ۲۰ (طه) بیان شده
است «واضحم یدک الی جناحک تخرج بیضاء من غیر سوء آیه آخری». ملاحظه می‌فرمایید
که نظامی در آوردن این گونه تشبیهات برآستی استاد است.

۴۶- آه بخور از نفس روزنش شرح ده یوسف و پیراهنش ص ۶۹
بوی پیراهن یوسف و بوی خود او وسیله روشنایی چشم پدر و سرور و شادمانی
نراوان بوده‌است و لذا بنظر میرسد که مصرع دوم ناظر است به آیات ۹۳ و ۹۴ سوره ۱۲
(یوسف) «اذهبوا بقمیصی هلمنا فالتوه علی وجه ابی یات بصیر او اتونی باهاکم اجمعین»
و یا «قال ابوهم انی لاجد ریح یوسف ثولام ان تفقدون».

۴۷- و آن همه خوبی که در آن صدر بود نور خیالات شب قدر بود ص ۷۹
فرخندگی شب قدر چنانست که از آن در قرآن مجید به شب مبارک تعبیر شده‌است
آیه ۳ سوره ۴ (الدخان) «انا انزلناه فی لیلة مبارکة انا کننا مندرین» و نیز در بسیاری از
کتاب حدیث و سنن اسلامی نصبی خاص در مورد فضیلت شب قدر آمده‌است از جمله به
ص ۴۳ ریاض الصالحین نووی مراجعه شود که چند روایت ذکر شده‌است.

۴۸ و ۴۹- آن بخلافت علم آراسته چون علم افتاده و برخاسته
علم آدم صفت پاک اوست خمر طینه شرف خاک اوست ص ۸۰

مصرع اول بیت اول ناظر به آیه ۳۰ سوره ۲ (بقره) است و مصرع دوم اشاره به
رأند شدن آدم از بهشت و مورد عنایت قرار گرفتن او پس از توبه است که در چند سوره
قرآن آمده‌است و قبلاً استخراج گردید. مصرع اول بیت دوم ناظر است به آیاتی که
در آنها به تعلیم آدم بوسیله ذات باری تعالی تصریح شده‌است از جمله آیه ۳۱ سوره ۲

«و علم آدم الأسماء كلها...» و یا آیه ۵ سوره ۹۶ (اعناق) «علم الانسان ما لم يعلم». مصراع دوم بیت دوم مأخوذ است از حدیثی که بصورت «خمرت طینه آدم بیدی اربعین صباحاً» در غالب متون تصوف و عرفان فارسی هم آمده است و جزء احادیث مستخرج در کتاب احادیث مثنوی است ص ۱۹۸.

۵۰- گشته گل افشان وی از هشت باغ بر همه گبرگرو برابریس داغ ص ۸۲
مقصود این است که عنایت الهی نسبت به آدم موجب گردید که داغ لعنت بر پیشانی شیطان نقش بندد بنظر می رسد از مضمون آیات ۷۳ تا ۷۸ سوره (ص) متأخر است که ضمن آن چنین آمده است «وان عليك لعنتى الى يوم الدين».

۵۱- خوردن آن گندم نامردمش کرده برهنه چو دل گندمش ص ۸۳
برهنه شدن آدم پس از خوردن میوه ممنوعه که بنا بر روایات اسلامی گندم بوده است در این بیت تأثیر گذاشته است این موضوع در چند آیه قرآن آمده است و بی در آیه ۲۷ بشوره ۷ (اعراف) مساله بیرون آوردن و کندن لباس آدم و حوا بوسیله شیطان واضح تر از موارد دیگر است «یا بنی آدم لا یفتنکم الشیطان کما اخرج ابویکم من الجنة ینزع عنهما لباسهما».

۵۲- عذر به آن را که خطایی رسید کادم از آن عذر بجایی رسید ص ۸۳
۵۳- چون دلش از توبه لطافت گرفت ملک زمین را بخلافت گرفت ص ۸۴
در این دو بیت عذر و توبه بیک معنی بکار رفته و مراد نظامی این است که خلیفه الهی که به آدم داده شده است نتیجه معذرت خواهی و توبه او بوده است و آیات ۲۰ سوره ۲ (بقره) و ۱۶۵ سوره ۶ (انعام) در این دو بیت تأثیر گذاشته است «... انی جاعل فی الارض خلیفه» و «هو الذی جعلکم خلایف فی الارض».

۵۴- ۵۵- آنکه بشارت بخود میدهد دانه یکی هفتصدم می دهد
دانه بانبیزی شیطان مکار تا ز یکی هفتصد آید بیار ص ۱۰۶
این دو بیت که در گفتگوی دهقان و سلیمان سروده شده است در عین حال که مرتبه توکل و خلوص را بیان می دارد ظاهر امثال از آیه ۳۶۱ سوره ۲ (بقره) است «مثل الذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله کمثل حبة انبتت سبع سنابل فی کل سنبله مائة حبة والله یضاعف

لمن یشاء والله واسع علیم». در این مورد احادیث بسیاری هم وارد شده است که حق تعالی بر برابر هر عمل نیک ۷۰۰ پاداش می دهد شیخ طوسی در امالی از امام ششم حضرت جعفر محمد روایت می کند که فرمود (اذا احسن العبد عمله ضاعف الله عمله بكل حسنة سبع مائة ضعف) تفسیر برهان ج! ص ۲۵۲.

۵۶ و ۵۷- دادگری شرط جهان داریست شرط جهان بس که ستمکاریست

هر که درین خانه شبی داد کرد خانه فردای خود آباد کرد ص ۱۱۰
در بیت اول تأثیر دو آیه از آیات قرآنی بنظر می رسد نخست آیه ۲۵ سوره ۲۸ (ص) «یا داود انا جعلناک خلیفة فی الارض فاحکم بین الناس بالحق...» و دوم آیه ۵۸ سوره ۴ (ساء) که اگر چه در مورد قضاوت است ولی تناسب آن با بیت آشکار است «واذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل». بیت دوم ناظر به روایاتی است که درباره اهمیت عدل و دادگری حکام و پادشاهان آمده است که از جمله می توان بصفحه ۴۰۹ ج ۱ کیمیای سعادت غزالی مراجعه نمود و در ذیل عنوان «در رعیت داشتن و ولایت راندن» بخشی از آن را دید.
۵۸- گم شده هر که چو یوسف بود گم شدنش جای تأسف بود ص ۱۱۶
متأثر است از آیات سوره یوسف که اندوه و تأسف شدید یعقوب را بر فرزند بیان داشته است از جمله آیه ۸۴ سوره ۱۲ «وتولى عنهم وقال يا اسفى على يوسف وايضا عیناه من الحزن وهو کظیم».

۵۹- تابی ازین زنگی و رومی تراست داغ جهولی و ظاومی تراست ص ۱۱۸
یعنی اگر مانند شب و روز دورنگ باشی و منافق داغ جهولی و ظاومی بر تو خواهد بود مصراع دوم مأخوذ است از آیه ۷۲ سوره ۲۳ (احزاب) «انا عرضنا الامانة علی السموات والارض والجبال فابین ان یحملنها واشفقن منها وحملها الانسان انه كان ظلوما جهولا».

۶۰- نزل بلا عافیت انبیاست و آنچه ترا عافیت آید بلاست ص ۱۲۵
مصراع اول متأثر از احادیث زیادی است که در مورد گرفتاریهای دشوار پیامبران بزرگوار در کتب احادیث و سنن اسلامی از جمله در کتاب «فتن» سنن ابن ماجه در بخش صبر بر بلا آمده است که نمونه بی از آن چنین است «حدثنا یوسف بن حماد المعنی و یحیی بن درست... قال قامت یا رسول الله ای الناس اشد بلاء قال الانبیاء ثم الامثل فالامثل

بیتای العبد علی حسب دینه فان کان فی دینه صلبا اشتد بلاؤه . . . » ص ۱۳۳ ج ۲ سنن ابن ماجه چاپ محمد نژاد عبدالباقی . و در مصراع دوم اثر آیه ۲۱۶ سوره ۲ (بقره) «و نسی ان تحبوا شیئا وهو شر لکم» مشهود است .

۶۱- هر که یقین را بتو گشاید سرشت بر کرم «انرزق علی الله» نوشت ص ۱۲۹ در این بیت اثر آیاتی از قرآن مانند آیه ۶ سوره ۱۱ (هود) «وامان دابة فی الارض الاعلی الله رزقها» مشهود است و نیز تاثیر پاره‌ای از احادیث اسلامی را در آن می‌بینیم از قبیل حدیث «لوانکم توکلتم علی الله حق توکله لرزقکم کما یرزق الطیر تفدو و خدما و تروح بطانان» که در ص ۱۳۹ ج ۲ سنن ابن ماجه آمده است .

۶۲- جسم ترا پاک تر از جان کنی چون که چهل روز بزندان کنی ص ۱۳۴ ظاهراً از حدیث مشهور نبوی متاثر است که «من اخلص لله اربعین صباحا (یوما) ظهرت ینابیع الحکمة من قلبه علی لسانه» و از احادیثی است که استاد فقید فروزانفر در احادیث منثوی ص ۱۹۶ آنرا پیرون آورده اند .

۶۳- مرد بزندان شرف آرد بدست یوسف ازین روی بزندان نشست ص ۱۳۴ ناظر است به آیه ۳۳ سوره ۱۲ (یوسف) که آن پیامبر گرامی عرضه می‌دارد «قال رب السجن احب الی مما یدعون الیه»

۶۴- سر زهوی تافتن از سروری است ترک هوی قوت پیغمبر است ص ۱۳۵ ماخوذ است از مضمون آیاتی که در این باره نازل شده است از جمله آیه ۴۰ سوره ۷۹ (انشازعات) «وامان خاف مقام ربه ونهی النفس عن الهوی فان الجنة هی المأوی» که بنا بر احادیث اسلامی این مقام مخصوص کسانی است که معصوم باشند و برای اطلاع بیشتر ملاحظه فرمایید که در صفحه ۲۶ ج ۴ تفسیر برهان .

۶۵- در حرم دین بحمایت گریز تاره‌ای از کشمکش رستخیز ص ۱۳۵ مسأله پناه بردن به خداوند متعال و به دین در کلام الله مجید در آیاتی چند بیان شده است و ظاهراً این بیت متأثر است از آیه ۵۰ سوره ۵۱ (الداریات) که از قول نوح (ع) خطاب به امت چنین است. «فقر و الی الله انی لکم منه نذیر مبین» .

۶۶- زهره هنوز آب درین گل نریخت شهر هاروت به بابل نریخت ص ۱۴۰ رجوع فرمایید به شماره (۳۴) که در آنجا آیه مورد نظر استخراج شد .

۶۷- تازه کنند این گل افکنده را باز هم آرند پراکنده را ص ۱۵۱ بدون تردید به یکی از آیات مکرر قرآن که درباره قیامت و بیان قدرت الهی در جمع آوری استخوانهای پراکنده و خاک شده آدمی نازل شده است نظر داشته است از قبیل آیات ۴ و ۲ سوره ۷۵ (القیامة) «ایحسب الانسان ان ننجم عظامه بلی قادرین علی ان نسوی بنانه» .

۶۸- در طبقات زمی افکنده ایم زلزلة الساعة شیء عظیم ص ۱۵۴ بطوری که ملاحظه می‌فرمایید مصراع دوم جزئی است از اولین آیه سوره ۲۲ (الحج) «یا ایها الناس اتقوا ربکم ان زلزلة الساعة شیء عظیم» .

۶۹- ۷۱، ۷۰، ۶۹- خاک در چرخ برین میزند چرخ میان، گرد زمین می‌زند حادثه چرخ، کمین برگشاد یک بیک الدامر زمین، برگشاد چرخ بزیر آید و یکتا شود چرخ زنان خاک به بالا شود ص ۱۵۵ در این دوسه بیت و یکی دو بیت پس از آن که به وقایع رستاخیز و ظهور قیامت اشاره نموده است تردید نیست که تحت تاثیر بسیاری از آیات قرآن قرار داشته است از قبیل آیه ۱۰۴ سوره ۲۱ (الانبیاء) «یوم نطوی السماء کطی السجل . . . » و آیه ۲۱ سوره ۸۹ (الفجر) «کلا اذا دکت الارض دکا» .

۷۲- مه که چراغ فلکی شد تنش هست زدیروزه ما روغنش ص ۱۵۸ این بیت در برخی از نسخ بصورت «هست زدیروزه خور روغنش» ثبت شده است که بهر دو صورت متأثر از آیاتی از کلام الله مجید است از قبیل آیه ۵ سوره ۱۰ (یونس) «هو اللی جعل الشمس ضیاء والقمر نورا» و آیه ۱۲ سوره ۱۱۶ (النحل) «وسخر لکم اللیل والنهار والشمس والقمر» .

۷۳- راه تو دور آمد و منزل دراز برگه ره و توشه منزل بساز ص ۱۶۴ ناظر است به بسیاری از کلمات قصار بزرگان اسلام از جمله به این گفتار حضرت امیر المومنین علی بن ابیطالب (ع) «من تذکر بعد السفر استه ل» ص ۱۲۱۲ .

فیض الاسلام آمده است و بابه نصیحت ارزنده حضرت امام حسن مجتبی (ع) به جناده «استمد لسفرك وحصل زادك قبل حلول اجلك» ص ۲۴۸ منتهی الامال مرحوم محدث قمی.

۷۴- چون نظر از پیشش توفیق یابن عارف خود گشت و خدا را شناخت ص ۱۶۸

مصراع دوم ناظر است به گفتار منسوب به حضرت امیر المومنین علی (ع) که «من عرف نفسه فقد عرف ربه» و در کنوز الحقایق ص ۲۲ بصورت «اذا عرف نفسه عرف ربه» جزء احادیث نبوی شمرده شده است و رجوع شود به صفحه ۱۶۷ کتاب احادیث مثنوی.

۷۵- کین مازین که درین خرگه است غولره عشق خلیل الله است ص ۱۷۶

حضرت ابراهیم خلیل برای نشان دادن غیر قابل پرستش بودن ماه نخست به آن توجهی فرمود و گفت این پروردگار من است و نظامی در این بیت باین موضوع اشاره کرده که ناظر بر آیه ۷۷ و ۷۸ سوره ۶ (الانعام) است «ونمارای القمر بازغا قال هل یاری فاما اقل قال وین لم یهدنی ربی لا کونن من القوم الضالین».

(ادامه دارد)